

## بررسی تأثیر هوش عاطفی بر شایستگی‌های کارآفرینانه دانشجویان رشته‌های کشاورزی (مورد مطالعه: دانشگاه زنجان)

محمد بادسار<sup>۱</sup>، روح‌الله رضائی<sup>۲\*</sup>، نفیسه صلاحی مقدم<sup>۳</sup>

۱. استادیار دانشکده کشاورزی، دانشگاه زنجان

۲. دانشیار دانشکده کشاورزی، دانشگاه زنجان

۳. کارشناس ارشد دانشکده کشاورزی، دانشگاه زنجان

تاریخ دریافت: ۹۲/۸/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۳/۶/۲۶

### چکیده

هدف اصلی این تحقیق بررسی تأثیر هوش عاطفی بر شایستگی‌های کارآفرینانه دانشجویان رشته‌های کشاورزی در دانشگاه زنجان است. تحقیق حاضر از نظر هدف جزو تحقیقات کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، جزو تحقیقات توصیفی و از نوع همبستگی به شمار می‌رود. جامعه آماری تحقیق شامل ۳۶۶ نفر از دانشجویان کارشناسی ارشد دانشکده کشاورزی دانشگاه زنجان است که با توجه به جدول کرجسی و مورگان، ۲۸۰ نفر از آنان از طریق روش نمونه‌گیری طبقه‌ای با انتساب متناسب انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استاندارد استفاده شد. روایی محتوایی پرسشنامه با نظر اعضای هیئت علمی دانشگاه زنجان تأیید شد. برای تعیین قابلیت اعتماد ابزار تحقیق، پیش‌آزمون انجام شد که مقدار آلفای کرونباخ محاسبه‌شده برای مقیاس‌های اصلی پرسشنامه در حد مناسب در دامنه بین ۰/۷۰۶ تا ۰/۸۷۲ بود. داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از تکنیک چندمتغیره مدلسازی معادلات ساختاری، پردازش شدند. نتایج تحقیق بیانگر آن بود که بیشتر پاسخگویان مورد مطالعه از نظر سطح هوش عاطفی و شایستگی‌های کارآفرینانه در سطوح پایین و متوسط قرار دارند. همچنین بر اساس نتایج تحقیق مشخص شد که هوش عاطفی و مؤلفه‌های آن شامل مهارت‌های درون‌فردی، مهارت‌های بین‌فردی، سازگاری، مدیریت استرس و خودانگیزی، حدود ۳۵ درصد از واریانس شایستگی‌های کارآفرینانه را تبیین می‌کنند.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش کشاورزی، شایستگی‌های کارآفرینانه، هوش عاطفی.

## مقدمه

رشد سریع جمعیت و سایر تحولات اجتماعی-اقتصادی پرشتاب در دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ از جمله: محدود شدن فرصت‌های استخدامی از سوی دولت، نبودن ساختار مناسب در بخش خصوصی برای جذب دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها، مشکلات ساختار فرهنگی جامعه، وجود مسائل متعدد در فضای کسب‌وکار، نبود ارتباط مؤثر میان دانشگاه و بخش‌های مختلف اقتصادی و غیره، موجب بروز مسئله بیکاری (88: Moghimi, 2007) و ایجاد شرایط جدیدی برای آموزش عالی شده است. نتیجه چنین وضعیتی، لزوم توسعه کارآفرینی در کشور برای ایجاد کسب‌وکارهای جدید، به کارگیری مناسب ظرفیت‌های بدون استفاده، توسعه ظرفیت‌های جدید و حل مشکلات اجتماعی است. در این زمینه، به نظر می‌رسد که یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های جدید دانشگاه‌ها، ایجاد و توسعه شایستگی‌های کارآفرینی در دانش‌آموختگان دانشگاهی است (یداللهی فارسی، ۱۳۸۴: ۹۳). هرچند، تحقق این امر به نوبه خود مستلزم شناسایی و توجه به عوامل تأثیرگذار در این زمینه در سطح فردی (عوامل روانشناختی و غیر روانشناختی) و سطح محیطی (عوامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی) است (Erin, 2012: 6). در این میان، در سال‌های اخیر مشخصه‌های روانشناختی و متغیرهای شخصیتی به‌ویژه هوش عاطفی به دلیل نقش مهم آن در کمک به بروز خلاقیت افراد، شناسایی و تشخیص فرصت‌های کارآفرینانه، ترغیب به خطرپذیری، برقراری ارتباطات اثربخش با دیگران و در مجموع، توسعه شایستگی‌های کارآفرینی و ایجاد رفتار کارآفرینانه در افراد، از سوی محققان و صاحب‌نظران مختلف تأکید خاصی می‌شود (Leutner et al., 2014: 60). بر خلاف اهمیت موضوع، در خصوص بررسی رابطه بین شایستگی‌های کارآفرینانه با هوش عاطفی که حوزه مطالعاتی جدیدی به شمار می‌رود، پژوهش‌ها و تحقیقات تقریباً کمی به‌ویژه در آموزش عالی کشاورزی انجام شده است و تلاش‌های اندکی برای اثبات رابطه بین شایستگی‌های کارآفرینانه و هوش عاطفی و نحوه تأثیرپذیری رفتار کارآفرینانه از مؤلفه‌های مختلف هوش عاطفی صورت گرفته است (کمالیان و فاضل، ۱۳۹۰: ۱۲۹). از این رو، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که آیا رابطه‌ای بین هوش عاطفی و مؤلفه‌های مختلف آن با شایستگی‌های کارآفرینانه دانشجویان رشته‌های کشاورزی در دانشگاه زنجان وجود دارد یا خیر؟

## مروری بر مبانی نظری و پیشینه تحقیق

### الف) شایستگی‌های کارآفرینانه

از آنجا که درک چگونگی ظهور بنگاه‌های کسب‌وکارهای جدید، یک چالش تحقیقاتی جدی به شمار می‌رود، ارائه یک توضیح قابل قبول در خصوص نحوه ایجاد و توسعه این بنگاه‌ها ضروری به نظر می‌رسد (Alvarez & Barney, 2007: 1059). فرایند کارآفرینی به دلیل قطعیت نداشتن در چگونگی توسعه مطلوب یک کسب‌وکار (Bhave, 1994: 231)، دستیابی به منابع مورد نیاز (Baker & Nelson, 2005: 344) و اتخاذ تصمیمات اثربخش (Sarasvathy, 2001: 253)، در ماهیتش موضوعی پیچیده محسوب می‌شود. بر این اساس، به نظر می‌رسد که ایجاد بنگاه‌های کسب‌وکار نیازمند مجموعه‌ای از شایستگی‌هاست که افراد می‌توانند از سوی یک ایده اولیه به سمت راه‌اندازی یک بنگاه ارزش‌آفرین حرکت کنند (Rasmussen et al., 2011: 1314). بر خلاف اهمیت موضوع، مبانی نظری در حوزه شایستگی‌های کارآفرینانه هنوز در مراحل ابتدایی قرار دارد که بخشی از این مسئله از تنوع دیدگاه‌ها در تعریف مفهوم شایستگی و وجود برداشت‌ها و معنای متفاوت از آن ناشی می‌شود (Sanchez-Garcia, 2013: 449). به هر حال، در یک برداشت جامع، شایستگی‌های کارآفرینانه<sup>۱</sup> را می‌توان به منزله یک گروه خاص از شایستگی‌های مرتبط در بردارنده دانش، مهارت و ویژگی‌های شخصیتی (Man et al., 2002: 125) تعریف کرد که به افراد کمک می‌کند تا نقش خود را به عنوان یک کارآفرین برای ایجاد و توسعه یک کسب‌وکار کوچک و جدید به طور موفقیت‌آمیزی ایفا کنند (Mitchelmore & Rowley, 2010: 93). با توجه به تعریف بیان‌شده، همان‌طور که سانچز (۲۰۱۳) تأکید می‌کند، برخی محققان در تبیین و تشریح شایستگی‌های کارآفرینانه، روی مهارت‌ها، دانش و ویژگی‌های فردی تمرکز کرده‌اند (Man et al., 2002: 125). در این مطالعه، این ویژگی‌ها در قالب پنج دسته ویژگی‌های کنترل درونی (Rotter, 1966: 1)، توفیق‌طلبی (McClelland, 1961: 124)، ریسک‌پذیری (Kets De Vries, 1977: 37)، سلاست فکری (Osborn, 1963: 29) و عمل‌گرایی (Vesper, 1980: 151) در نظر گرفته شدند.

### ب) هوش عاطفی

در رابطه با هوش عاطفی و نقش آن در رهبری و مدیریت، همواره اختلاف نظرهایی وجود داشته است. در این زمینه، عمگرایان بر این باورند که رهبری و مدیریت ناگزیر از هوش عاطفی هستند و حتی برخی از آنان به صورت اغراق آمیز، هوش عاطفی را تبیین کننده ۸۷ درصد از تفاوت بین مدیران ارشد که به لحاظ عملکرد در سطح بالایی قرار دارند، با متوسط عملکرد همتایانشان می‌دانند (Goleman, 2000: 81). این در حالی است که در ادبیات رایج دانشگاهی، نقش هوش عاطفی در مدیریت و رهبری مشروط و بحث برانگیز بوده است و مباحث مرتبط با آن در رابطه با درک ظاهر، رفتار و اثربخشی مدیریت دنبال می‌شود (Walter et al., 2011: 46). در خصوص مفهوم هوش عاطفی، والتر و همکاران (۲۰۱۱) بیان می‌کنند که مفهوم هوش عاطفی از طریق دامنه گسترده‌ای از تعاریف و رهیافت‌های اندازه‌گیری توصیف و تبیین می‌شود. این محققان به نقل از اشکاناسی و دایوز<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) ادبیات مربوط به هوش عاطفی را در قالب سه حیطه یا جریان متفاوت طبقه‌بندی می‌کنند. جریان نخست، تعریف سالوی و مایر<sup>۲</sup> (۱۹۹۰) از هوش عاطفی است که آن را به عنوان مجموعه‌ای از توانایی‌های عاطفی مانند درک درست هیجانات یا احساسات، به کارگیری هیجانات برای تسهیل تفکر و درک و مدیریت احساسات برای دستیابی به اهداف تعریف می‌کنند (Mayer et al., 2004: 205). جریان دوم نیز تعریف سالوی و مایر (۱۹۹۰) از هوش عاطفی را مبنا قرار می‌دهد، با این تفاوت که به جای به کارگیری آزمون‌های توانایی محور، از خودارزیابی یا گزارش‌های دیگر مرتبط با رفتار هوش عاطفی استفاده می‌کند (Jordan et al., 2002: 201). در نهایت، در جریان سوم که برداشت تقریباً جامع‌تری از هوش عاطفی ارائه می‌دهد، تمرکز بر رهیافت‌هایی است که هوش عاطفی را در یک معنای گسترده‌تر تعریف می‌کنند؛ این جریان شامل مجموعه‌ای از تمایلات و صلاحیت‌های مختلف درهم آمیخته همچون خودآگاهی، همدلی، حالت روانی، تصمیم‌سازی و کار گروهی است (Goleman, 2000: 80) که توانایی‌های یک فرد برای موفقیت در رویارویی با خواسته‌ها و فشارهای محیط را متأثر می‌کند (Bar-On, 2006: 15).

1. Ashkanasy and Daus  
2. Salovey and Mayer

صرف نظر از چگونگی تعریف هوش عاطفی، در خصوص شناسایی مؤلفه‌های آن، پژوهش‌های مختلفی در دنیا صورت گرفته است. در این زمینه، نافوخو<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) مؤلفه‌های اصلی هوش عاطفی را شامل چهار بعد آگاهی عاطفی، تسهیل هیجان، درک هیجان و مدیریت هیجان دانسته است. در همین زمینه، بار-اون (۲۰۰۶) هوش عاطفی را یک سازه چندبعدی، شامل پنج مؤلفه اساسی مهارت‌های درون‌فردی، مهارت‌های بین‌فردی، مدیریت استرس، سازگاری و خودانگیزی می‌داند. گلمن (۲۰۰۰) نیز آن را در قالب چهار دسته شایستگی‌های خودآگاهی، خودمدیریتی، آگاهی اجتماعی و مهارت اجتماعی در نظر گرفته است.

### ج) پیشینه پژوهش

در این بخش، با توجه به هدف اصلی پژوهش و با در نظر گرفتن محدوده موضوعی تحقیق، نتایج برخی از مهم‌ترین مطالعات مرتبط تجربی انجام گرفته در داخل و خارج از کشور مرور شده است (جدول ۱). همان‌طور که اشاره شد؛ در خصوص بررسی رابطه بین شایستگی‌های کارآفرینانه با هوش عاطفی، پژوهش‌ها و تحقیقات تجربی تقریباً کمی انجام شده است (کمالیان و فاضل، ۱۳۹۰: ۱۲۹) و به طور کلی در ادبیات رابطه هوش عاطفی با رفتار کارآفرینانه و حتی فراتر از آن، رابطه هوش عاطفی با موفقیت کارآفرینانه و یا آموزش‌های کارآفرینی بررسی شده است (Ahmetoglu et al., 2011: 1030).

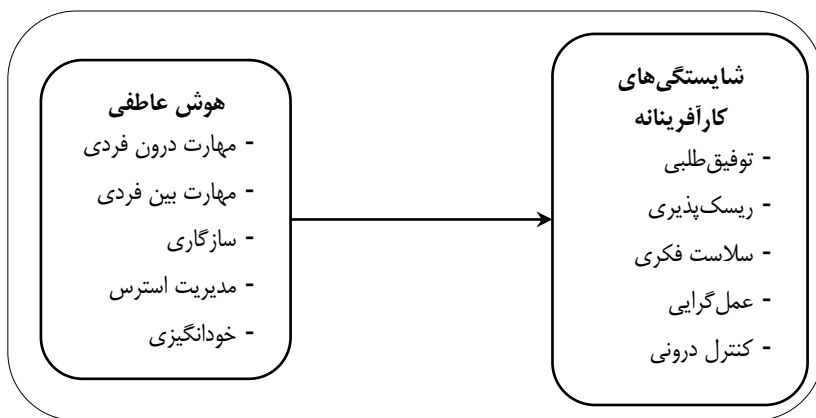
جدول ۱. خلاصه پژوهش‌های تجربی مرتبط انجام گرفته در داخل و خارج از کشور

پژوهشگر (سال انجام تحقیق)	عنوان پژوهش	نتایج تحقیق
مصطفایی (۱۳۸۸)	بررسی رابطه هوش عاطفی با کارآفرینی دانشجویان دانشگاه پیام نور شهرستان سردشت	نتایج تحقیق نشان‌دهنده وجود رابطه مثبت و معنی‌دار بین هوش عاطفی و میزان کارآفرینی دانشجویان بود. همچنین بین هوش عاطفی دانشجویان دختر و پسر تفاوت معناداری وجود داشت، در حالی که تفاوت بین میزان کارآفرینی آنان معنی‌دار نبود.

ادامه جدول ۱. خلاصه پژوهش‌های تجربی مرتبط انجام گرفته در داخل و خارج از کشور

پژوهشگر (سال انجام تحقیق)	عنوان پژوهش	نتایج تحقیق
مقصودی و نگهداری (۱۳۹۱)	مطالعه‌ای درباره سهم هریک از مؤلفه‌های هوش عاطفی در رابطه با کارآفرینی در بین دانش‌آموختگان رشته‌های مدیریت پیام نور	نتایج تحقیق نشان داد که بین کارآفرینی و مؤلفه‌های مختلف هوش عاطفی به جز مؤلفه ارزیابی عواطف دیگران و تنظیم عواطف، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود داشت.
Pachulia & Henderson (2009)	رابطه بین هوش عاطفی و گرایش کارآفرینانه	نتایج تحقیق نشان داد که بین هوش عاطفی مدیران بنگاه‌های کوچک و متوسط با ابعاد گرایش کارآفرینانه آنان شامل ابتکار، ریسک‌پذیری، پیشگامی، استقلال‌طلبی و رقابت تهاجمی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.
Pradhan & Nath (2012)	گرایش کارآفرینانه و هوش عاطفی (مطالعه موردی: مدیران فناوری در هند)	نتایج تحلیل رگرسیون بیانگر آن بود که هوش عاطفی یکی از متغیرهای اصلی پیش‌بینی‌کننده گرایش کارآفرینانه است.
Erin (2012)	کسب‌وکارهای عاطفی: نقش هوش عاطفی در موفقیت کارآفرینی	بر اساس یافته‌های پژوهش، بین چهار مؤلفه هوش عاطفی شامل خودتنظیمی، خودآگاهی، همدلی و مهارت‌های ارتباطی با متغیر وابسته موفقیت کارآفرینان رابطه مثبت و معنی‌دار وجود داشت، در حالی که رابطه بین مؤلفه خودانگیزی با متغیر وابسته معنی‌دار نبود.
Khalifi & Nasimifar (2014)	بررسی مؤلفه‌های هوش عاطفی به عنوان متغیرهای پیش‌بین شایستگی کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه شهید چمران	با توجه به یافته‌های پژوهش مشخص شد بین هوش عاطفی دانشجویان و شایستگی‌های کارآفرینی آنان (سلاست فکری، کنترل درونی، عمل‌گرایی، توفیق‌طلبی و ریسک‌پذیری) رابطه مثبت و معنی‌داری وجود داشت. همچنین سه مؤلفه خوش‌بین‌بودن، توانایی حل مسئله و همدلی به ترتیب دارای بیشترین نقش در پیش‌بینی تغییرات متغیر شایستگی‌های کارآفرینی بودند.

با توجه به مطالب ذکر شده در بخش‌های پیشین و مسئله اصلی پژوهش، تحقیق حاضر با هدف اصلی بررسی تأثیر هوش عاطفی بر شایستگی‌های کارآفرینانه انجام شد. در قالب هدف اشاره شده و بر اساس مرور ادبیات نظری و مطالعات تجربی مرتبط، در این بخش مدل مفهومی پژوهش ترسیم شده است (شکل ۱).



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش: تأثیر هوش عاطفی بر شایستگی‌های کارآفرینانه

بر اساس مدل مفهومی پژوهش، فرضیه اصلی تحقیق این بود:  
 - هوش عاطفی بر شایستگی‌های کارآفرینانه دانشجویان رشته‌های کشاورزی در دانشگاه زنجان اثر مثبت و معنی‌داری دارد.

البته شایان ذکر است که محققان پس از ارائه نظریه شناخت اجتماعی بندورا<sup>۱</sup> (۲۰۰۱)، به بررسی تأثیر ویژگی‌های فردی مانند هوش عاطفی بر قابلیت‌های شکل‌دهنده رفتار و رفتار فردی توجه بسیاری کردند. در این خصوص، مرور مطالعات پیشین به‌ویژه مایر و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) و بار-اون (۲۰۰۶) بیانگر نقش هوش عاطفی به منزله یک ویژگی فردی اثرگذار بر ارتقای سطح قابلیت‌های مختلف و رفتار افراد است؛ برای مثال بار-اون (۲۰۰۶) افراد با هوش عاطفی بالا را دارای مهارت‌های اجتماعی بالاتری می‌داند که مثبت‌نگر و مبتکر هستند و از توانایی سازگاری بیشتری با تغییرات برخوردارند. بر اساس مطالب اشاره‌شده و با در نظر گرفتن اینکه در تمامی مطالعات تجربی پیشین (جدول ۱) بر تأثیرپذیری شایستگی‌های کارآفرینانه از هوش عاطفی تأکید شده است، در این مطالعه شایستگی‌های کارآفرینانه به عنوان متغیر وابسته تحقیق در نظر گرفته شد که بخشی از تغییرات آن می‌تواند به دلیل تأثیر هوش عاطفی به عنوان متغیر مستقل باشد.

1. Bandura  
 2. Mayer et al.

## روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف جزو تحقیقات کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، جزو تحقیقات توصیفی و از نوع همبستگی به شمار می‌رود. جامعه آماری این تحقیق را ۳۶۶ نفر از دانشجویان کارشناسی ارشد دانشکده کشاورزی دانشگاه زنجان تشکیل می‌دادند که بر اساس جدول کرجسی و مورگان<sup>۱</sup> (۱۹۷۰)، تعداد ۲۸۰ نفر از آنان با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای با انتساب متناسب برای انجام تحقیق انتخاب شدند. البته شایان ذکر است که با توجه به تأکید مطالعات پیشین بر متغیر جنسیت به عنوان یکی از متغیرهای تعدیل‌گر تأثیرگذار (فاطمی، ۱۳۸۵؛ ملایی و همکاران، ۱۳۹۰)، برای تشکیل طبقات و طبقه‌بندی نمونه‌ها از این متغیر استفاده شد (جدول ۲).

جدول ۲. تعداد کل دانشجویان مورد مطالعه و نمونه‌های اختصاص یافته به هریک از طبقات

طبقات (بر حسب جنس)	تعداد کل دانشجویان	تعداد نمونه اختصاص یافته
پسر	۱۴۲	۱۰۹
دختر	۲۲۴	۱۷۱
کل	۳۶۶	۲۸۰

ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق پرسشنامه استاندارد بود که از سه بخش مشخصه‌های فردی و حرفه‌ای پاسخگویان و پرسش‌های مرتبط با سنجش شایستگی‌های کارآفرینانه دانشجویان و مؤلفه‌های هوش عاطفی تشکیل شده بود (جدول ۳). برای سنجش مؤلفه‌های هوش عاطفی از پرسشنامه استاندارد بار-اون (۲۰۰۶) و برای سنجش شایستگی‌های کارآفرینانه از مقیاس‌های توسعه داده شده در مطالعات مختلف به‌ویژه مقصودی (۱۳۸۴)، احمدپور داریانی و مقیمی (۱۳۸۵) و کردنائیج و همکاران (۱۳۸۶) استفاده شد. روایی صوری پرسشنامه با نظر کارشناسان و متخصصان در زمینه موضوع مورد پژوهش تأیید شد. برای تعیین پایایی ابزار تحقیق، پیش‌آزمون (۳۰ نفر خارج از نمونه اصلی) انجام گرفت که مقدار آلفای کرونباخ محاسبه شده برای مقیاس‌های اصلی پرسشنامه در حد مناسب بود (جدول ۳).



جدول ۳. بخش‌های مختلف پرسشنامه به همراه تعداد گویه‌ها و مقدار آلفای کرونباخ

مقدار آلفای کرونباخ	مقیاس سنجش	تعداد گویه‌ها	شاخص	ابعاد
-	بر اساس مقیاس‌های اسمی (برای جنس و سابقه فعالیت) و نسبی (برای سن)	۳	سن، جنس و سابقه فعالیت کشاورزی	ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای
۰/۷۵۷	ترتیبی (طیف لیکرت پنج سطحی از کاملاً مخالف = ۱ تا کاملاً موافق = ۵)	۹	توفیق‌طلبی	شایستگی‌های کارآفرینانه
۰/۷۰۶		۷	ریسک‌پذیری	
۰/۸۰۶		۵	سلاست فکری	
۰/۷۳۳		۴	عمل‌گرایی	
۰/۸۲۳		۱۱	کنترل درونی	
۰/۸۷۲		۳۰	مهارت‌های درون‌فردی	مؤلفه‌های هوش عاطفی
۰/۷۳۶		۱۸	مهارت‌های بین‌فردی	
۰/۷۴۶		۱۸	سازگاری	
۰/۷۹۳		۱۲	مدیریت استرس	
۰/۷۱۳		۱۲	خودانگیزی	

برای بررسی مطلوب بودن مدل و برازش آن با داده‌های میدانی از شاخص‌های مختلف برازندگی استفاده شد که در جدول ۴ به این شاخص‌ها همراه با سطح قابل قبول برای هر یک از آن‌ها اشاره شده است.

جدول ۴. شاخص‌های مختلف برازش به همراه سطح قابل قبول آن‌ها

سطح قابل قبول	نماد	شاخص‌های مختلف برازش
$0.05 \leq$	$\chi^2 (df, p)$	کای اسکویر (درجه آزادی، سطح معنی‌داری)
$\leq 3$	$\chi^2/df$	کای اسکویر نسبی
$0.90 \leq$	GFI	شاخص نیکویی برازش
$0.90 \leq$	CFI	شاخص برازش تطبیقی
$0.90 \leq$	IFI	شاخص برازش فزاینده
$0.90 \leq$	TLI	شاخص توکر-لویس
$\leq 0.08$	RMSEA	شاخص ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب

داده‌های گردآوری شده از طریق نرم‌افزارهای SPSS (برای پردازش داده‌ها در بخش آمار توصیفی) و AMOS<sup>20</sup> (برای پردازش داده‌ها در بخش استنباطی و مدلسازی معادلات ساختاری) تجزیه و تحلیل شدند. در بخش آمار توصیفی، برای سنجش میزان درک از سطح شایستگی‌های کارآفرینانه و هوش عاطفی پاسخگویان مورد مطالعه و گروه‌بندی آن‌ها بر حسب سطوح پایین (نامطلوب)، متوسط (تقریباً مطلوب) و بالا (مطلوب)، از شاخص تفاوت انحراف معیار از میانگین (ISDM)<sup>1</sup> به صورت زیر استفاده شد (Gangadharappa et al., 2007: 299):  
 ۱. پایین (A):  $mean - \frac{1}{2} Sd \leq B \leq$  متوسط (B)؛  
 ۲.  $mean - \frac{1}{2} Sd \leq B \leq$  متوسط (B)؛  
 ۳. بالا (C):  $mean + \frac{1}{2} Sd > C$

### یافته‌ها

بر اساس نتایج تحقیق، میانگین سن دانشجویان مورد مطالعه ۲۵/۴ سال و انحراف معیار آن ۲/۹ سال بود. با توجه به یافته‌های پژوهش، ۶۱/۱ درصد از پاسخگویان را دانشجویان دختر و ۳۸/۹ درصد از آنان را دانشجویان پسر تشکیل می‌دادند. همچنین یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که بیشتر دانشجویان مورد مطالعه (یعنی ۶۷/۵ درصد) سابقه کار کشاورزی ندارند، در حالی که تنها نزدیک به یک‌سوم آن‌ها (۳۲/۵ درصد) سابقه کار کشاورزی داشتند.

نتایج حاصل از گروه‌بندی دانشجویان بر اساس شاخص تفاوت انحراف معیار از میانگین در سطوح بالا، متوسط و پایین به لحاظ میزان شایستگی‌های کارآفرینانه و هوش عاطفی آن‌ها در جدول ۵ نشان داده شده است. همان‌طور که از نتایج پیداست بیشتر پاسخگویان مورد مطالعه از نظر سطح هوش عاطفی و شایستگی‌های کارآفرینانه در سطوح پایین و متوسط قرار دارند، به نحوی که تعداد دانشجویانی که از نظر هر دو متغیر مورد مطالعه در طبقه بالا قرار گرفته‌اند، در مورد تمامی مؤلفه‌ها (شامل پنج مؤلفه مربوط به شایستگی‌های کارآفرینانه و پنج مؤلفه مرتبط با هوش عاطفی) کمتر از هفت درصد بود.

1. Interval of Standard Deviation from the Mean

جدول ۵. توزیع فراوانی دانشجویان بر اساس سطوح مختلف شایستگی‌های کارآفرینانه و هوش عاطفی

متغیر	پایین		متوسط		بالا	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
شایستگی‌های کارآفرینی	۱۷۲	۶۱/۴	۱۰۴	۳۷/۱	۴	۱/۴
	۱۰۰	۳۵/۷	۱۶۳	۵۸/۲	۱۷	۶/۱
	۱۲۳	۴۳/۹	۱۴۳	۵۱/۱	۱۴	۵
	۲۲۷	۸۱/۱	۵۰	۱۷/۹	۳	۱/۱
	۱۹۶	۷۰	۸۳	۲۹/۶	۱	۰/۴
هوش عاطفی	۱۱۸	۴۲/۱	۱۶۰	۵۷/۱	۲	۰/۷
	۱۹۵	۶۹/۶	۸۴	۳۰	۱	۰/۴
	۸۰	۲۸/۶	۲۰۰	۷۱/۴	۰	۰
شایستگی‌های کارآفرینی	۵۱	۱۸/۲	۲۱۲	۷۵/۷	۱۷	۶/۱
	۱۶۱	۵۷/۵	۱۱۸	۴۲/۱	۱	۰/۴

برای آزمون رابطه علی- معلولی بین متغیرهای شایستگی‌های کارآفرینانه با هوش عاطفی، از تکنیک مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد. در همین راستا، پیش از طراحی مدل ساختاری تحقیق، ابتدا برای تأیید و آزمون مناسب بودن پرسشنامه‌های مورد استفاده برای اندازه‌گیری دو متغیر مکنون اشاره‌شده، دو مدل اندازه‌گیری که شامل همه نشانگرهای مرتبط با ابعاد مختلف هر دو مکنون بود، به صورت جداگانه برآورد شد. نتایج ارزیابی این دو مدل بر اساس شاخص‌های مختلف برازندگی نشان داد که مدل‌های اندازه‌گیری پس از حذف تعداد کمی از نشانگرها (هفت متغیر از ۳۶ متغیر مربوط به شایستگی‌های کارآفرینانه و ۱۹ متغیر از ۹۰ متغیر مربوط به هوش عاطفی)، از برازش نیکویی مناسبی برخوردار شدند (جدول ۶).

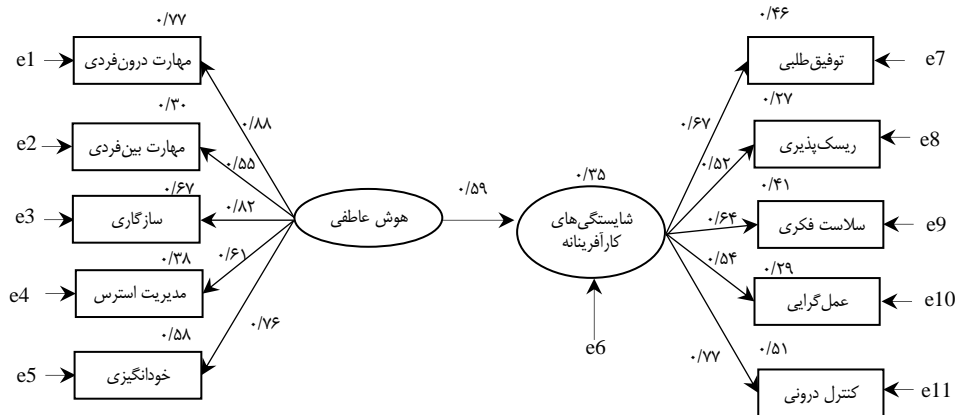
جدول ۶. ارزیابی شاخص‌های برازش نیکویی در مدل‌های اندازه‌گیری

مکنون	شاخص‌های برازش					
	RMSEA	TLI	IFI	CFI	GFI	$\chi^2/df$
شایستگی‌های کارآفرینانه	۰/۰۸۴	۰/۹۳۸	۰/۹۷۶	۰/۹۷۵	۰/۹۸۴	۲/۹۶۴
هوش عاطفی	۰/۰۶۰	۰/۹۸۳	۰/۹۹۱	۰/۹۹۱	۰/۹۸۶	۲/۰۲۰

پس از برآورد مدل‌های اندازه‌گیری، مدل ساختاری تحقیق اجرا شد. مدل ساختاری در واقع مدل کلی تحقیق است و روابط علی بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق را نشان می‌دهد. در این تحقیق نیز مدل ساختاری بیانگر رابطه مستقیم متغیر مستقل هوش عاطفی با شایستگی‌های کارآفرینانه (به عنوان متغیر وابسته) بود (شکل ۲). در خصوص برازش نیکویی مدل ساختاری، یافته‌های تحقیق نشان داد که هرچند مدل برآوردشده بر اساس شاخص کای اسکویر برازش نیکویی مناسبی ندارد، بر اساس سایر شاخص‌های برازندگی، دارای برازش نیکویی قابل قبولی بود (جدول ۷). در این خصوص، ذکر این نکته ضروری است که مدل ساختاری برآورده‌شده در همان مرحله اول از برازش مناسبی برخوردار بوده و نیاز به اصلاح نداشته است.

جدول ۷. ارزیابی شاخص‌های برازش نیکویی در مدل ساختاری تحقیق

RMSEA	TLI	IFI	CFI	GFI	$\chi^2/df$	$\chi^2 (df, p)$
۰/۰۶۱	۰/۹۵۲	۰/۹۶۴	۰/۹۶۳	۰/۹۵۲	۲/۰۴۶	(۳۴, ۰/۰۰۰) ۶۹/۵۷۷



شکل ۲. مدل ساختاری تحقیق

همان‌طور که از شکل ۲ پیداست، متغیر هوش عاطفی و مؤلفه‌های آن حدود ۳۵ درصد از واریانس متغیر وابسته شایستگی‌های کارآفرینانه دانشجویان رشته‌های کشاورزی دانشگاه زنجان را تبیین می‌کنند.

افزون بر نتایج اشاره شده در بالا، خلاصه نتایج به دست آمده در خصوص آزمون فرضیه تحقیق در جدول ۸ ارائه شده است. همان‌طور که از نتایج پیداست فرضیه اصلی تحقیق تأیید شده است و متغیر هوش عاطفی با مقدار تعیین ۰/۳۵، اثر مثبت و معنی داری بر شایستگی‌های کارآفرینانه دارد.

جدول ۸. خلاصه نتایج به دست آمده در خصوص آزمون فرضیه تحقیق

فرضیه تحقیق	مقادیر غیر استاندارد	خطای استاندارد	ضرایب رگرسیونی استاندارد	مقدار t	سطح معنی داری
هوش عاطفی ← شایستگی‌های کارآفرینانه	۰/۵۲۵	۰/۶۹	۰/۵۸۸	۷/۵۵۷	۰/۰۰۰

### بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق نشان داد که بر اساس مقادیر شاخص‌های مختلف برازش، ساختار کلی مدل تحقیق تأیید می‌شود. همچنین با توجه به نتایج مدل ساختاری مشخص شد که فرضیه اصلی تحقیق پذیرفته شده است و متغیر هوش عاطفی از اثر مثبت و معنی داری بر روی متغیر وابسته برخوردار بود، به نحوی که در مجموع ۳۵ درصد از واریانس شایستگی‌های کارآفرینانه دانشجویان رشته‌های کشاورزی در دانشگاه زنجان را تبیین کرد. در این زمینه، بر اساس نتایج تحقیق اهمیت مؤلفه مدیریت استرس به عنوان متغیرهای تأثیرگذار بر شایستگی‌های کارآفرینانه، تأیید شده است. کارآفرینان در فرایند کارآفرینی با تضادهای فراوانی مواجه می‌شوند. در چنین شرایطی، همان‌طور که تی ساوسیسی و نیکولا<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) تأکید می‌کنند؛ چنانچه فرد توانایی مدیریت استرس و مهارت‌های درون فردی مناسبی نداشته باشد، نمی‌تواند منابع اشتیاق و یا ناکامی را شناسایی کند و در نتیجه سطوح رفتارهای کارآفرینانه خود را افزایش دهد. در مقابل، اگر فردی از چنین مهارت‌ها و توانایی‌هایی در یک سطح مطلوب برخوردار باشد، می‌تواند با ترسیم تصور صحیح از خود، تشخیص و درک هیجانات و احساسات خود، ابراز هیجانات خود به صورت مؤثر، اتکای به خود و نداشتن وابستگی عاطفی

1. Tsaousis and Nikolaou

به دیگران و مدیریت و کنترل مفید و اثربخش هیجان‌ها خود، از این احساسات و عواطف به عنوان یک عامل برانگیزاننده مثبت و نیروی پیش‌برنده برای نوآوری و بروز رفتارهای کارآفرینانه استفاده کند. همان‌طور که بار-اون (۲۰۰۶) و پاردهان و ناس (۲۰۱۲) بیان می‌کنند، توانایی مدیریت استرس و برخورداری از مهارت درون‌فردی از مشخصه‌های اصلی کارآفرینان به شمار می‌روند که می‌توانند سبب توسعه روحیه کارآفرینی در افراد شوند. این در حالی است که نتایج این تحقیق نشان داد که دانشجویان مورد مطالعه از توانایی مدیریت استرس و مهارت درون‌فردی بالایی برخوردار نیستند و بیشتر آن‌ها از نظر برخورداری از این دو مؤلفه بر مبنای شاخص تفاوت انحراف معیار از میانگین در سطوح متوسط و پایین قرار دارند. با توجه به یافته‌های این تحقیق مشخص شد که مؤلفه خودانگیزی یکی دیگر از متغیرهای تأثیرگذار بر شایستگی‌های کارآفرینانه دانشجویان است. در این خصوص، کرمی و همکاران (۱۳۸۴) بر این باورند که به موازات برخورداری از دانش و مهارت‌های فنی کافی، توانایی خودانگیزی نیز یکی از پیش‌شرط‌های اصلی موفقیت کارآفرینان به شمار می‌رود و حتی در مواردی، انگیزه ضروری‌تر از دانش و مهارت فنی است؛ زیرا این انگیزه‌ها هستند که فرد را برانگیخته و وادار به فعالیت‌های کارآفرینانه می‌کنند. اهمیت این موضوع با در نظر گرفتن این مسئله که در فرایند کارآفرینی، افراد مشوق‌های بیرونی اندکی دارند، دو چندان خواهد بود. نتایج تحقیق آمابیل<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۵) بیانگر آن است که ویژگی‌های مثبت حالت‌های عاطفی (خوش‌بینی و مثبت‌اندیش‌بودن) منجر به خلاقیت بیشتر، پیش‌گامی در امور و افزایش احتمال بروز رفتارهای کارآفرینانه می‌شود و حتی در این زمینه، عباس‌پور اسفدن و همکاران (۱۳۸۹) خودانگیزی و ایجاد و حفظ انگیزه را پیش‌زمینه بروز خلاقیت در نظر گرفته‌اند. با توجه به اهمیت مؤلفه خودانگیزی هوش عاطفی و تأثیر مستقیم آن بر شایستگی‌های کارآفرینانه افراد، نتایج این تحقیق نشان داد که اکثریت دانشجویان مورد مطالعه در رشته‌های کشاورزی توانایی خودانگیزی پایینی دارند و فقط حدود یک‌ونیم درصد از آنان دارای توانایی خودانگیزی در سطح بالایی بودند.

همان‌طور که نتایج این تحقیق نشان داد؛ مؤلفه مهارت بین‌فردی به منزله یکی از مؤلفه‌های اساسی هوش عاطفی، از متغیرهای تأثیرگذار بر شایستگی‌های کارآفرینانه به شمار می‌رود. به این ترتیب، کارآفرینان افرادی هستند که می‌توانند احساسات و هیجانات افراد دیگر را شناسایی و درک کنند، تمایل زیادی به همکاری با سایر افراد دارند و از روحیه کار تیمی و گروهی بالایی برخوردارند و می‌توانند به راحتی با دیگران برای پیشبرد اهداف خود به شکل اثربخشی تعامل داشته باشند و کار کنند. در این زمینه، کمالیان و فاضل (۱۳۹۰) با تأکید بر اهمیت مهارت بین‌فردی، شاهره جلب همکاری افراد را شناسایی و تشخیص عواطف و احساسات دیگران و برخورد هدفمند با آن‌ها می‌دانند که می‌تواند سبب رضایت و در نتیجه جلب همکاری آنان شود. بر خلاف اهمیت موضوع، در این خصوص نیز نتایج آمار توصیفی بر مبنای شاخص تفاوت انحراف معیار از میانگین بیانگر آن بود که مهارت بین‌فردی بیش از ۹۵ درصد از دانشجویان مورد مطالعه در سطح پایین و متوسط بوده است و تنها نزدیک به سه درصد از آنان از مهارت بین‌فردی در سطح بالایی برخوردار بودند. بر اساس یافته‌های این تحقیق، یکی دیگر از مؤلفه‌های هوش عاطفی که بر بهبود شایستگی‌های کارآفرینانه افراد تأثیرگذار است، مربوط به مؤلفه قدرت سازگاری و انطباق افراد می‌شود. در این خصوص، افرادی که از هوش عاطفی بالایی برخوردارند، افرادی واقع‌بین‌اند و قدرت سازگاری با شرایط و موقعیت‌های جدید را به خوبی دارند. افزون بر این، این افراد توانایی بالای حل مسئله دارند و می‌توانند در موقعیت‌های مختلف مسائل و مشکلات پیش روی خود را به خوبی مدیریت و برطرف کنند (کمالیان و فاضل، ۱۳۹۰: ۱۴۱). بدیهی است که داشتن چنین ویژگی‌ها و مهارت‌هایی به طور مستقیم بر روی شایستگی‌های مختلف کارآفرینانه به‌ویژه عمل‌گرایی و ریسک‌پذیری تأثیرگذار است؛ در نتیجه تقویت هوش عاطفی می‌تواند منجر به بهبود شایستگی‌های کارآفرینانه شود. همان‌طور که نتایج این تحقیق در بخش آمار توصیفی نشان داد؛ همانند سایر مؤلفه‌های هوش عاطفی که دانشجویان مورد مطالعه از وضعیت چندان مناسبی نداشتند، در مورد مؤلفه سازگاری نیز این مسئله صدق می‌کند، به نحوی که تمامی دانشجویان از نظر این مؤلفه در سطوح متوسط و پایین قرار داشتند و حتی هیچ‌یک از آنان در سطح بالا قرار نگرفته بودند.

## پیشنهادها

با در نظر گرفتن نتایج کسب شده از پژوهش، پیشنهادهای زیر ارائه می شود:

۱. با در نظر گرفتن اینکه بیشتر دانشجویان مورد مطالعه از نظر مؤلفه های مختلف شایستگی های کارآفرینانه در سطح پایینی قرار داشتند، پیشنهاد می شود از طریق نیازسنجی شایستگی ها و مهارت های مورد نیاز دانشجویان برای کارآفرینی، با توجه به مقتضیات هریک از رشته های مختلف کشاورزی محتوای مورد نیاز در ابعاد دانشی (شناخت مبانی کسب و کار و کارآفرینی)، بینشی (اهمیت و ضرورت کارآفرینی و بهبود نگرش دانشجویان نسبت به کار میدانی) و مهارتی (شایستگی ها، فنون و مهارت های کسب و کار) فراهم شود و در قالب واحدهای درسی و دوره های آموزشی در رشته های کشاورزی گنجانده شود.

۲. با توجه به تأثیر معنی دار هوش عاطفی بر شایستگی های کارآفرینانه دانشجویان پیشنهاد می شود از طریق برگزاری دوره های آموزشی کوتاه مدت در زمینه هایی مانند بهبود توانمندی های فردی و اجتماعی دانشجویان، توسعه مهارت کنترل عاطفی و مدیریت بر احساسات و هیجانات، بهبود مهارت های گوش دادن و گرفتن مشاوره از دیگران و برقراری ارتباطات اثربخش، زمینه های تقویت هوش عاطفی و در نتیجه افزایش شایستگی های کارآفرینانه دانشجویان فراهم شود.



## منابع

- احمدپور داریانی، محمود و مقیمی، محمد (۱۳۸۵). *مبانی کارآفرینی*. تهران: نشر فر اندیش.
- عباس پور اسفدن، قنبر، چراغعلی، محمدحسن و رحمانی، محمد (۱۳۸۹). شناخت و مطالعه رابطه هوش هیجانی و کارآفرینی مدیران صنایع لاستیک و پلاستیک شهر تهران. *پژوهشنامه اقتصاد کسب و کار*، ۱ (۲)، صص ۲۷-۳۴.
- فاطمی، محسن (۱۳۸۵). *هوش هیجانی* (چاپ اول). تهران: انتشارات سارگل.
- کردنائیچ، اسداله، زالی، محمدرضا، هومن، حیدرعلی و شمس، شهابالدین (۱۳۸۶). *انبار سنجش ویژگی های شخصیتی کارآفرینان ایرانی*. تهران: نشر دانشگاه تربیت مدرس.
- کرمی، ابوالفضل، بهرامی، فرامرز و مقصودی، جعفر (۱۳۸۴). هوش هیجانی، حلقه گمشده کارآفرینی. *فصلنامه رشد*، ۳ (۱۲)، صص ۳۹-۵۲.
- کمالیان، امین رضا و فاضل، امیر (۱۳۹۰). بررسی رابطه هوش هیجانی و میزان کارآفرینی دانشجویان (مورد مطالعه: دانشگاه سیستان و بلوچستان). *فصلنامه توسعه کارآفرینی*، ۳ (۱۱)، صص ۱۲۷-۱۴۶.
- مصطفایی، علی (۱۳۸۸). *بررسی رابطه هوش عاطفی با کارآفرینی دانشجویان دانشگاه پیام نور شهرستان سردشت*. طرح پژوهشی، دانشگاه پیام نور، شهرستان سردشت، استان آذربایجان غربی.
- مقصودی، جعفر (۱۳۸۴). *بررسی و مقایسه ویژگی های شخصیتی و روان شناختی کارآفرینان تهرانی با افراد عادی*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- مقصودی، فاطمه و نگهداری، سمیه (۱۳۹۱). *مطالعه ای درباره سهم هر یک از مولفه های هوش هیجانی در رابطه با کارآفرینی در بین دانش آموختگان رشته های مدیریت پیام نور*. مجموعه مقالات اولین کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان، بابلسر، ۲۳ آبان ماه ۱۳۹۱، صص ۱-۱۱.
- ملایی، عین اله، آسایش، حمید، تقوی کیش، بهزاد و قربانی، مصطفی (۱۳۹۰). تفاوت جنسیتی و هوش هیجانی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان. *مجله علمی دانشکده پرستاری و مامایی بویه گرگان*، ۸ (۲)، صص ۳۰-۳۴.
- یداللهی فارسی، جهانگیر (۱۳۸۴). *نقش جدید دانشگاه ها: توسعه قابلیت های کارآفرینی*. مجموعه مقالات دومین همایش اشتغال و نظام آموزش عالی کشور، تهران، ۲۷ و ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۸۴، صص ۹۲-۱۱۴.

Ahmetoglu, G., Leutner, F., and Chamorro-Premuzic, T. (2011). EQ-nomics: Understanding the relationship between individual differences in trait

- emotional intelligence and entrepreneurship. *Personality and individual differences*, 51(8), pp. 1028-1033.
- Alvarez, S. A. and Barney, J. B. (2007). The entrepreneurial theory of the firm. *Journal of Management Studies*, 44, pp. 1057- 1063.
- Amabile, T., Barsade, S., Mueller, J. and Staw, B. (2005). Affect and creativity at work. *Administrative Science Quarterly*, 5 (50), pp. 367- 403.
- Baker, T. and Nelson, R. E. (2005). Creating something from nothing: Resource construction through entrepreneurial bricolage. *Administrative Science Quarterly*, 50, pp. 329- 66.
- Bandura, A. (2001). Social Cognitive theory of mass communication. *Media Psychology*, 3 (3), pp. 265- 299.
- Bar-On, R. (2006). The Bar-On model of emotional-social intelligence (ESI). *Psicothema*, 18 (1), pp. 13- 25.
- Bhave, M. P. (1994). A process model of entrepreneurial venture creation. *Journal of Business Venturing*, 9, pp. 223- 242.
- Erin, M. (2012). *An emotional business: The role of emotional intelligence in entrepreneurial success*. Ph.D. Dissertation, Department of Management, University of North Texas.
- Gangadharappa, H., Pramod, K., and Shiva, K. (2007). Gastric floating drug delivery systems: A review. *Indian J. Pharm. Ed. Res.*, 41, pp. 295- 305.
- Goleman, D. (2000). Leadership that gets results. *Harvard Business Review*, 78(2), pp. 78-90.
- Jordan, P. J., Ashkanasy, N. M., Ha'rtel, C. E. J., and Hooper, G. S. (2002). Workgroup emotional intelligence: Scale development and relationship to team process effectiveness and goal focus. *Human Resource Management Review*, 12, pp. 195- 214.
- Kets De Vries, M. F. R. (1977). The entrepreneurial personality: A person at the crossroads. *Journal of Management Studies*, 14(1), 34-57.
- Khalifi, A. and Nasimifar, H. (2014). A study of emotional intelligence components as predictors of entrepreneurship in students of Shahid Chamran University. *Journal of Novel Applied Sciences*, 3 (1), 1- 4.
- Leutner, F., Ahmetoglu, G., Akhtar, A. and Chamorro-Premuzi, T. (2014). The relationship between the entrepreneurial personality and the Big Five personality traits. *Personality and Individual Differences*, 63, pp. 58-63.
- Man, T., Lau, T. and Chan, K. (2002). The competitiveness of small and medium enterprises: A conceptualization with focus on entrepreneurial competencies. *Journal of Business Venturing*, pp. 17 (1), 123- 142.
- Mayer, J. D., Salovey, P. and Caruso, D. R. (2004). Emotional intelligence: Theory, findings, and implications. *Psychological Inquiry*, 15, pp. 197- 215.
- Mayer, J., Salovey, P. and Caruso, D. (2008). Emotional intelligence: New ability or eclectic traits? *American Psychologist*, 6 (63), pp. 503- 517.

- McClelland, D. C. (1961). *The achieving society*. Free Press, New York.
- Mitchelmore, S., and Rowley, J. (2010). Entrepreneurial competencies: a literature review and development agenda. *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, 16 (2), pp. 92-111.
- Moghimi, M. (2007). Corporate entrepreneurship: Obstacles and Alternatives (The Case of Industrial Corporations in Iran). *Journal of Entrepreneurship Research*, 1 (2), pp. 87- 119.
- Nafukho, F. M. (2009). Emotional intelligence and performance: Need for additional empirical evidence. *Advances in Developing Human Resources*, 11(6), pp. 671-689.
- Osborn, A. F. (1963). *Applied imagination*. New York, Charles Scribners.
- Pachulia, G. and Henderson, A. (2009). *The relationship between emotional intelligence and entrepreneurial orientation*. Master Thesis within Business Administration, JÖNKÖPING International Business School, JÖNKÖPING University.
- Pradhan, R. and Nath, P. (2012). Perception of Entrepreneurial Orientation and Emotional Intelligence a Study on India's Future Techno-Managers. *Global Business Review*, 13 (1), pp. 89- 108.
- Rasmussen, E., Mosey, S., and Wright, M. (2011). The evolution of entrepreneurial competencies: A longitudinal study of university spin-off venture emergence. *Journal of Management Studies*, 48(6), pp. 1314-1345.
- Rotter, J. B. (1966). Generalized expectancies for internal versus external control of reinforcement. *Psychological monographs: General and applied*, 80 (1), 1- 28.
- Salovey, P. and Mayer, J. (1990). Emotional intelligence. *Imagination, Cognition, and Personality*, 9 (3), pp. 185- 211.
- Sanchez-Garcia, J. C. (2013). The Impact of an entrepreneurship education program on entrepreneurial competencies and intention. *Journal of Small Business Management*, 51 (3), pp. 447-465.
- Sarasvathy, S. D. (2001). Causation and effectuation: Toward a theoretical shift from economic inevitability to entrepreneurial contingency. *Academy of Management Review*, 26, pp. 243–263.
- Tsaousis, I. and Nikolaou, I. (2005). Exploring the relationship of emotional intelligence with physical and psychological health functioning. *Stress and Health*, 21 (2), pp. 77- 86.
- Vesper, K. (1980). *New venture strategies*. USA, Prentice Hall Inc. Englewood Cliffs.
- Walter, F., Cole, M. S., and Humphrey, R. H. (2011). Emotional intelligence: sine qua non of leadership or folderol? *The Academy of Management Perspectives*, 25(1), pp. 45-59.